

ادامه از صفحه اول

رضایت عمومی و عملکرد سیاسی

مثلا اگر هدف فردی رفتن به سینما یا کنسرت باشد، فرد مد نظر بسیاری از وقایع و تصاویر گوناگون در مسیر رفتن به سینما را نمی‌بیند یا می‌بیند و اهمیتی نمی‌دهد، یا در شرایطی که هدف پنهان یک کارگزار سیاسی کسب منفعت از جایگاه (عمومی) خود باشد، نمی‌تواند وسعت و عمق فقر میلیون‌ها شهروند را ببیند یا می‌بیند و از نظر احساسی متأثر نمی‌شود و… از این‌رو اهداف فردی و سیاسی، نقش اساسی در وسعت شعاع و عمق درک انسانی به‌منابه زمینه راهکارهای گوناگون ایفا می‌کنند. به گواه شواهد تاریخی و تجربی، در همه جوامع و اعصار از مفهوم و ابزار پروپاگاندا در راستای مقاصد گوناگون، از سوی افراد و گروه‌ها استفاده شده، می‌شود و خواهد شد؛ اما در جهان توسعه‌یافته دانش و اطلاعات بنیادی، پروپاگاندا بیشتر در امور تجاری و اقتصادی کاربرد دارد. به منظور فهم چیستی و کارکرد پروپاگاندا، تبیین کلی و مختصری از این مفهوم ارائه می‌شود.

فلسفه پروپاگاندا؟

پروپاگاندا معطوف به مطلع، ترغیب و جذب مشتری درباره یک کالا یا خدمت (خدمات) خاص از هر نوعی است. به عبارتی پروپاگاندا در جهان معاصر ابزار یا روش اتصال عرضه‌کننده و متقاضی یک چیز (کالا، خدمت و…) است. دو نکته بسیار کاربردی درباره پروپاگاندا شایان توجه و تأمل است؛ یک، وجود مشتریانی که بس‌کری نیاز دارند و دو، کالا و خدمتی که با هدف تهیه و تأمین نیازهای مشتریان عرضه می‌شود. بنابراین «بامعنا و کاربردی‌بودن پروپاگاندا، منوط به وجود شرایط را رابطه عرضه و تقاضا است»؛ اینکه پروپاگاندا بدون عرضه کالا و خدمات متصور نخواهد بود.

تفاوت پروپاگاندا با منجر به اطلاع‌رسانی

اطلاع‌رسانی الزاماً منجر به رابطه دوجانبه نمی‌شود و معمولاً کارکردی یک‌سویه دارد؛ مثلاً گزارش‌های هوشناسی شهروندان را از وضعیت آتی هوا مطلع می‌کند و قصد جذب شهروندان به سازمان هوشناسی برای تعامل تجاری یا اقتصادی ندارد. یا وزارت بهداشت و درمان شهروندان را از شیوع یک بیماری مطلع می‌کند و هدف سازمان بهداشت و درمان جذب شهروندان به قصد تبادل با هدف کسب منفعت یا سود نیست. به تعبیری اطلاع‌رسانی منفعت عمومی (ملی) را مدنظر دارد؛ امّا ذات، کارکرد و هدف پروپاگاندا، برقراری رابطه میان عرضه‌کننده کالا و خدمات با مشتریان (مصرف‌کنندگان) است. به تعبیری، پروپاگاندا منفعت فردی یا یک اقلیت را مدنظر دارد. برخی کالاها، خدمات، پدیده‌ها و… (درواخانه، مدرسه، بیمارستان، نیروی انتظامی، آتش‌نشانی و…) به دلیل اهمیت ذاتی، نیازی به تبلیغات ندارند، بلکه شهروندان (مصرف‌کنندگان) خدمات به شیوه‌های گوناگون تلاش می‌کنند از آنها مطلع شوند یا آنها را در صورت لزوم به دست آورند. بنابراین اساساً «پروپاگاندا معطوف به امور و پدیده‌هایی است که اهمیت عمومی (اجتماعی و ملی) ندارند». مثلاً صاحبان سینما یا تولیدکنندگان یک فیلم به منظور کسب منفعت فردی یا گروهی اقدام به تبلیغ یک فیلم می‌کنند؛ اما مسترری به دلایل گوناگون ممکن است نخواهد یا علاقه‌ای به دیدن فیلم نداشته باشد. از این‌رو هدف پروپاگاندا ترغیب و متأثرکردن مشتری به اتخاذ یک تصمیم خاص است. هدف پروپاگاندا (افزایش) فروش است. پروپاگاندایی که منجر به (افزایش) فروش کالا و خدمات نشود، تنها سرمایه‌گذاری بی‌حاصل و ضرر است، به بیانی کمالاً کاربردی، پروپاگاندا مطلع‌کردن بخشی از شهروندان از وجود یک کالا، خدمات یا… است. به عبارتی وجود پدیده‌ای (کالا، خدمات و…) برای عرضه، پیش‌نیاز فعل تبلیغ است. پروپاگاندا بدون وجود چیزی برای عرضه یک پارادوکس پرهزینه، غیرکاربردی و بی‌نتیجه است. شاید با این مقدمه بتوان به تأمل و تعمق درباره یک مسئله اجتماعی، اینکه آیا پروپاگاندا ابزار یا روشی کاربردی در مدیریت سیاسی است، پرداخت. در جهان خرد، اخلاق، دانش و فناوری‌بنیاد، سازوکار مدیریت سیاسی نمود و ابزار «خرد و اراده جمعی» به منظور تحقق «اهداف جمعی» است. اگر تعریف کلی و مختصر از چیستی و کارکرد مدیریت سیاسی کشور، کاربردی و اجتماعی تلقی شود، آن‌گاه باید تأکید شود که روابط ساختار تصمیم‌گیری مدیریتی با شهروندان نه از طریق پروپاگاندا، بلکه از طریق رضایت شهروندان تنظیم و ارزیابی می‌شود. اینکه رضایت شهروندان تابع کیفیت زیست روزمره است که برایند عملکرد مدیریتی است. اگر بپذیریم که پروپاگاندا در جهان توسعه‌یافته معاصر یک پدیده تجاری و اقتصادی است، آن‌گاه باید گفته شود که تعامل میان سیاست‌ورزان و شهروندان در عالم سیاست برخلاف عرصه تجارت که مبتنی بر عرضه کالا به مشتری است، مبتنی بر کارآمدی و رضایت شهروندان است. به عبارتی در عرصه مدیریت سیاسی، آن‌گونه که در عرصه تجارت مرسوم است، نیازی به پروپاگاندا نیست، بلکه عملکرد مدیریت سیاسی در زیست روزمره شهروندان نمود پیدا می‌کند و در نتیجه رضایت‌داشتن یا نداشتن شهروندان نسبت به مدیریت، برایند مستقیم عملکرد مدیریت کلان است. نکته درخور توجه و تعمق برای میهن‌دوستان اینکه «چیستی و کارکرد مدیریت سیاسی معطوف به برخی وظایف است» که «باید و الزاماً» از طرف کارگزاران انجام شود. بنابراین انجام وظیفه و برخلاف فروش کالا و خدمات نیازی به پروپاگاندا ندارد، بلکه رضایت شهروندان که از کیفیت زیست روزمره ناشی می‌شود، معیار عملکرد و در نتیجه مطلوب یا نامطلوب‌بودن مدیریت است. به عبارتی «مدیریت برای جلب رضایت شهروندان (مردم) باید متکی بر عملکرد کارآمد و نه پروپاگاندا باشد». چراکه پروپاگاندا منهای کارآمدی نمی‌تواند رضایت شهروندان درباره ساختار تصمیم‌گیری و کارگزاران در سطوح گوناگون را به همراه داشته باشد. در عصر اطلاعات و فناوری اطلاعات، توسعه ملی و «پایداری سیاسی»، بدون درک، پذیرش و تکیه بر «فهم جمعی»، ناممکن است. به گواه شواهد بی‌شمار تجربی و معاصر، در جهان اطلاعات، فناوری و دانش‌بنیاد، جایی برای ساختارهای سیاسی مبتنی بر یک اقلیت وجود ندارد. اگر استدلال فوق کاربردی و منطقی تلقی شود، آن‌گاه باید تأکید شود که مدیریت کلان باید با «اتخاذ اهداف ملی» اقدام به کارآمدی عملکرد خود کند تا از این طریق کیفیت «زیست غیراجتماعی» شهروندان تغییر کند و بهبود یابد. کارآمدی یا ناکارآمدی مدیریت ارتباطی به پروپاگاندا ندارد، بلکه کیفیت زیست روزمره شهروندان کاربردی‌ترین و معتبرترین سنگ محک برای درک آن، ارزیابی و قضاوت‌چگونگی عملکرد است.

روحانیت و مبارزه با خرافات

این را مقایسه‌ه کنید با تهور شهید مطهری در بیش از نیم‌قرن پیش، متأسفانه روحانیت بی‌ش از حد درگیر فشارهای سیاسی و بازی قدرت شده و به همین دلیل است که دچار نوعی خودسناسوری در مواجهه با خرافات شده است. در این‌رو قدرت قلمنمانی به‌تدریج به دست چنین خرافه‌گویان و افسانه‌پردازانی افتاده است که نمونه‌های دیگری از آن را در صداوسیما و منابر رسمی هم می‌بینیم. دامنه این خرافات به امداد امام زمان (ع) برای تصویب فلان آیین‌نامه یا پنج اولویت وزارت علوم به نیت پنج تن اَلعِبا و… می‌رسد. پریش همچنان باقی است؛ چرا روحانیت عموماً در سکوت است و چرا اشکال دیگری از چنین افسانه‌پردازانی هابی همچنان در صداوسیما و در محافل مذهبی رواج می‌یابد؟ سخن بر سر این نیست که معدودی از منبری‌ها و سخنرانان مذهبی چنین خرافاتی می‌پندارند، چراکه در همه‌جای دنیا خرافاتی‌ها وجود دارند، بلکه پرسشش این است که چرا فضای عمومی به‌تدریج به دست اینان افتاده است؟ چرا چنین خرافاتی به‌صورت ضمنی مورد حمایت است؟ چرا روحانیت سکوت کرده است؟

حس ارزشمندی و ضرورت ایجاد فرصت‌های برابر

نمی‌توان بدون احزاب سیاسی مستقل و آزاد معتقد به نظام جمهوری اسلامی ایران، بدون شرایط انتخاباتی یکسان برای همه ایرانیان فارغ از وابستگی سیاسی، مذهبی یا محوشوندنی به دنبال حس موفقیت سیاسی برای مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خویش مطابق بند ۸ اصل سوم قانون اساسی بود. ایجاد فرصت‌های برابر برهنه‌تها تعهد و عمل به بند ۹ و ۱۴ اصل سوم قانون اساسی در واقع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی و تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضائی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون است، بلکه ضرورت ایدئولوژیک هر حکومتی برای حفظ خود است. ایدئولوژی هر حکومتی باید ایجابی باشد نه سلبی. حکومت‌ها برای بقای خود ناچار به فراهم‌کردن زمینه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی برابر و یکسان برای همه شهروندان خود هستند تا آنها بتوانند در این شرایط برابر به رقابت برخیزند و از موفقیت خود احساس ارزشمندی و مقبولیت کنند.

جرارد بیگور، ترجمه مسعود یوسف حصیر چین: در جناح راست بحث پرشوری در جریان است؛ اینکه شاید دوران لیبرالیسم به‌عنوان اصل سازمان‌دهنده فرهنگ سیاسی غرب به سر آمده است. مدافعان این گزاره حرفشان را روی یک وضعیت کم‌دی بنا می‌کنند. می‌گویند درست در همان لحظه پایان جنگ سرد که فکر می‌کردیم نظام سیاسی و اقتصادی آزادی فردی برنده شده است، افراط‌ها و تضادهای این ایدئولوژی حاکم در آستانه برنماشدن بودند. «تغییر نظام»، کتاب اخیر پاتریک دین، دانشمند علوم سیاسی نوتردام، عنوان کتاب قبلی اش، ایده «ناکامی» لیبرالیسم را بسط می‌دهد. موفقیت رهبرانی مانند ویکتور اوربان در مجارستان یا اگر چشم‌هایتان را به اندازه کافی ریز کنید تا چارچوب فلسفه سیاسی منسجمی را تشخیص دهید، دونالد ترامپ، به نارضایتی گسترده مردمی از ثمرات لیبرالیسم تعبیر شده است.

ایده‌اش این است است که لیبرالیسم بی‌حدمررز و بدون نمایندگی، نوعی نقطه پایانی تکامل سیاسی، برابریان ویرانی اجتماعی به بار آورده است. در حوزه اقتصادی، دنبال‌کردن افراط‌گرایی بازار باعث نابودی اجتماعات صنعتی شده است. در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، قنیت‌سازی انتخاب فردی، بنظر‌های از بی‌هنجاری و یاس به وجود آورده است که در جای‌جای آن می‌شود تمام آسیب‌های اجتماعی آشای مدرن امتیاد، انزوا و فروپاشی خانواده را دید.

می‌گویند این مسئله نه اتفاق بلکه نتیجه ناگزیر لیبرالیسمی است که در مقام یک هدف اجتماعی، ذاتاً فرطدار ارزشی نیست. جامعه‌ای که آزادی را برای خود آزادی دنبال می‌کند، جهت‌گیری اخلاقی لزوم را برای کشورش شده و پایدار ندارد.

شاید حرفشان کم‌لاملا هم بی‌حساب نباشد، اما به نظرم چالش بسیار فوری‌تر پیش‌روی لیبرالیسم ناکام ما را ناپدیده می‌گیرد. ایرادی که وارد می‌کنند، خطای ذاتی خود لیبرالیسم

رئیس جمهوری روسیه پس از حمله به خاک اوکراین،

این بار نیم‌نگاهی به خاک لهستان کشور عضو ناتو دارد.

ولادیمیر پوتین، لهستان را به «جاه‌طلبی ارضی» در قلمرو اتحاد جماهیر شوروی سابق متهم کرد و گفت هر تجاوزی به بلاروس، همسایه و متحد نزدیک روسیه، حمله به روسیه تلقی می‌شود. پوتین در جلسه شورای امنیت داخلی روسیه که جریان آن از تلویزیون آن کشور پخش شد، ضمن دادن هشداری تند به لهستان عضو ناتو و با اشاره به «اتحاد روسیه و بلاروس» گفت دولت روسیه به هر تجاوزی که به بلاروس شود با تمام امکاناتی که در اختیار دارد، پاسخ خواهد داد. پوتین گفته است بخش غربی لهستان هدیه جوزف استالین، دیکتاتور وقت اتحاد جماهیر شوروی به این کشور است و روسیه این موضوع را به لهستانی‌ها یادآوری خواهد کرد. ولادیمیر پوتین از استاد به گزارش‌های رسانه‌ها از طرح‌هایی برای ایفای نقش یک واحد لهستانی- لیتوانیایی جهت عملیات در مناطقی در غرب اوکراین که در گذشته بخشی از خاک لهستان بوده است، سخن راند و گفت که هدف نهایی اشغال ارضی است. پوتین بدون اشاره به این رسانه‌ها یا ارائه سندی برای اثبات ادعای خود گفت: «به خوبی می‌دانیم که آنها خواب راحتی با بلاروس را می‌بینند».

مانتوش موراوویه‌تسکی، نخست‌وزیر لهستان، در پاسخ به تهدید پوتین و با بیان اینکه سفیر فدراسیون روسیه به وزارت امور خارجه احضار خواهد شد، در تویییت نوشت: «استالین یک جنایتکار جنگی و مسئول مرگ صدها هزار لهستانی است. حقیقت تاریخی قابل بحث نیست».

رویه‌ها را شکست راهبردی دهد.

امروز میزبان الکساندر لوکاشنکو، همای بلاروسی خود

در روسیه خواهد بود و دو رهبر بلاروس و روسیه به‌طور منظم با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. روسیه اخیراً و برای اولین بار سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی خود را در بلاروس مستقر کرده است؛ تصمیمی که ناتو آن را جدی و خطرناک خوانده و گفته است که اوضاع را رصد می‌کند.

سنگنی ورشینین، معاون وزیر امور خارجه روسیه، گفته است این کشور کشتی‌هایی را که از طریق دریای سیاه در حال تردد هستند، بازرسی خواهد کرد تا مطمئن شود که هیچ چیز «بد» به اوکراین حمل نمی‌کنند. اظهارات ورشینین روز گذشته در نشست رسمی با بلاروس، خود را

اخیراً از توافقی خارج شد که به اوکراین اجازه می‌داد برای عملیات واکنر در آفریقا آماده و تقویت کنند. ریگوزن

لیبرالیسم را بابت مترقیان غیرلیبرال سرزنش نکنید

نیست، بلکه تهدیدی آشنا از گرایش اقتدارگری چپ در فرهنگ سیاسی غرب است. گزینه به‌اصطلاح مترقی‌ها برای تحمیل راه‌حل‌های دولت‌کرا و جمع‌گرا برای مشکلات جامعه به‌خوبی تثبیت شده است، اما در تقریباً یک دهه گذشته، ایدئولوژی بازتعریف‌شده ترقی خواهی –از لحاظ اقتصادی و فرهنگی– به شیوه‌هایی ظهور کرده است که شبیه حد نهایت لیبرالیسم باشند ولی در واقع در جهت مخالف آن قرار دارند.

مثلاً روشن‌ترین جبهه نبرد جاری در به‌اصطلاح جنگ‌های فرهنگی را در نظر بگیرید؛ نبرد بر تمایلات جنسی انسان.

در ظاهر چنین به نظر می‌رسد که نمونه بارز کسانی هستیم که گفته می‌شود خودمخرب‌ترین جنبه لیبرالیسم را اتخاذ کرده‌اند. ما انتخاب شخصی را به جایگاهی ارتقا داده‌ایم که در آنجا به ما می‌گویند که می‌توانیم جنس زیستی‌مان را رد کنیم و این آزادی چنان گسترده است که باید آن را به کودکان نابالغ هم گسترش دهیم.

اما اگر به زیر این سطح کلامی برویم، خواهیم دید که مسئله به‌هیچ‌وجه گسترش آزادی نیست؛ هدف اصلی نه رهایی کودکان ۱۰ساله از بندهای عرف، بلکه حذف آزادی والدین برای تشخیص این مسئله است که چه چیزی به نفع کودکانشان است. این تلاش برای تضعیف نهاد خانواده، در خدمت هدف بزرگ‌تری است: تغییر مرجعیت تصمیم‌گیری برای کودکان از خانواده به حکومت.

چرا چنین می‌کنند؟ چون خانواده مانعی بر سر راه بلندپروازی‌های چپ است. آنها مهم‌ترین بلوک‌های سازنده جوامع واقعا آزادند. این تلقی از خانواده به‌عنوان مانعی بر سر راه اراده برتر جمعی، در ایدئولوژی ماركسیستی سنتی ریشه دارد نه در لیبرالیسم. در نبرد بر سر آنچه باید در مدارس به کودکان آموخته شود چنین شاهد چنین مسئله‌ای هستیم. مدافعان اصلی چپ در رسانه‌ها، پیوسته بحث درباره آموزش تفکرات رادیکال

مدعی است واکنر که فتح باخموث در اوکراین را در کارنامه عملیاتی‌اش دارد، مؤثرترین نیروی جنگی روسیه بوده است، اما درگیری‌های بی‌دری با وزارت دفاع روسیه او را به شورش مسلحانه چهار هفته گذشته و لشکرکشی به سوی مسکو سوق داد تا از این راه صدایش را به کرملین برساند. آن شورش در پی توافق میان پوتین و ریگوزن با میانجیگری الکساندر لوکاشنکو، رئیس جمهوری بلاروس، خاموش شد و در نتیجه، آن دسته از مزدوران واکنر که تمایلی نداشتند زیر فرماندهی واحدی به پیروی از ارتش روسیه تن بدهند، روانه بلاروس شدند.

تصمیم دولت لهستان به اعزام واحدهای نظامی به مرز مشترک با بلاروس پس از آن گرفته شد که دولت بلاروس روز پنجمشنبه اعلام کرد که مزدوران واکنر آموزش‌دادن به نیروهای ویژه بلاروس را در نزدیکی مرز لهستان آغاز کرده‌اند.

هم‌زمان، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) که از همکاری نظامی روسیه و بلاروس نگران است، آمادگی خود را برای حمایت از لهستان، در صورت هرگونه تهدیدی از جانب بلاروس، اعلام کرده است. بوریس یستویروس، وزیر دفاع آلمان گفت آلمان و ناتو برای حمایت از لهستان در دفاع از مرزهای شرقی ناتو آماده‌اند.

روسیه در میانه ماه گذشته میلادی، پس از تهدیدهای فراوان، سرانجام از استقرار سلاح‌های هسته‌ای‌اش در خاک بلاروس خبر داد. ولادیمیر پوتین آن زمان گفت که این اقدام برای یادآوری این نکته به غرب است که نمی‌تواند روسیه را شکست راهبردی دهد.

رویه‌ها را شکست راهبردی دهد.

امروز میزبان الکساندر لوکاشنکو، همای بلاروسی خود

در روسیه خواهد بود و دو رهبر بلاروس و روسیه به‌طور منظم با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند. روسیه اخیراً و برای اولین بار سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی خود را در بلاروس مستقر کرده است؛ تصمیمی که ناتو آن را جدی و خطرناک خوانده و گفته است که اوضاع را رصد می‌کند.

سنگنی ورشینین، معاون وزیر امور خارجه روسیه، گفته

است این کشور کشتی‌هایی را که از طریق دریای سیاه در حال تردد هستند، بازرسی خواهد کرد تا مطمئن شود که هیچ چیز «بد» به اوکراین حمل نمی‌کنند. اظهارات ورشینین روز گذشته در نشست رسمی با بلاروس، خود را

اخیراً از توافقی خارج شد که به اوکراین اجازه می‌داد

برای عملیات واکنر در آفریقا آماده و تقویت کنند. ریگوزن

غلات خود را از طریق دریا صادر کند. روسیه تهدید کرده کشتی‌هایی را که به سمت اوکراین می‌روند به عنوان حامل محموله‌های نظامی بالقوه تلقی می‌کند. این کشور رسماً تصمیم خود را به اطلاع سازمان ملل متحد، ترکیه و اوکراین رسانده است.

بر اساس این توافق، محموله‌های دریایی اجازه داشتند تا از طریق دریای سیاه از بنادر اودسا، چورنومسک و جزیره ییوژنی عبور کنند. این توافق که سال پیش با میانجیگری ترکیه و حمایت سازمان ملل متحد به دست آمد، امکان انتقال هزاران تن محصول کشاورزی را از اوکراین می‌داد.

ورشننین گفت: «ما باید مطمئن شویم که کشتی حامل چیز بدی است یا نه؛ این به معنای درخواست بازرسی در صورت لزوم برای اطمینان از این موضوع است». او گفت «محصولات اوکراینی نمی‌توانند از طریق دریای سیاه صادر شوند، مگر اینکه با روسیه توافق شود».

اوکراینی یکی از بزرگ‌ترین صادرکنندگان گندم،

درباره جنس و نژاد را به‌عنوان «ممنوعیت‌کتاب» جا می‌زنند و تصویری ارائه می‌دهند که انکار جمهوری‌خواهان یا لباس‌های قهوه‌ای با خوشحالی‌کتاب‌های داستان بی‌ضرری را در آتش بزرگی می‌اندازند. اما یادتان باشد اصل ماجرا درباره چه چیزی است. تری مک آلیف، کاندیدای دموکرات‌ها برای فرمانداری ویرجینیا در سال ۲۰۲۱، در یکی از آن لحظات صادقانه افشاگر به گلن بانک‌کین، رقیب جمهوری خواه خود گفت: «فکر نمی‌کنم لازم باشد پدر و مادرها به مدارس بگویند چه چیزی به کودکان درس بدهند. این یک کار جمعی است». خودش را لیبرال جا می‌زند، اما در واقع بک نمونه کلاسیک نالیبرال است. همچنین با این راست‌کیشی مدرن جور درمی‌آید که باید به ما تلقین شود که خودمان را نه در مقام افرادی دارای عاملیت نسبت به زندگی‌های خودشان، بلکه به‌عنوان افراد به ندرت مستقل و عضو گروه هویتی بزرگ‌تری ببینیم.

این جمع‌گرایی فرهنگی مدرن با جمع‌گرایی اقتصادی پراشگرنه‌آتری همراه است. وقتی باراک اوباما در آن سخن به‌یادماندنی در رهبران کسب‌وکارهای آمریکایی گفت «شما این را ساختید»، این حرفش بیان مجدد ایده انقیاد عاملیت فردی توسط مسئولیت دولت‌گراست. اوج ستایش این ایده در «بایدنومیکس» است؛ عبارتی جدید برای ایده‌ای بسیار قدیمی: همیشه دولت بهتر می‌داند پول شما را چطوری خرج کند.

این یک کار جمعی است. شما این را نساختید. پدر و مادرها حق ندارند به مدرسه بگویند چه چیزی را درس بدهند. جنس واقعی نیست، فقط «جنسیت» داریم که برساختی اجتماعی است. اینها کلمات کلیدی ایدئولوژی کنترل چپ است و نباید اشتباهی کنیم؛ این مسئله ترکیب نالیبرالیسم قدیمی و جدیدی است که جدی‌ترین تهدید را متوجه شیوه زندگی آمریکایی می‌کند.

منبع: وال استریٹ ژورنال

رئیس جمهوری روسیه، لهستان را تهدید کرد

جاه‌طلبی ارضی پوتین



اقتابگیردان، ذرت و جو است. ممانعت از صدور محصولات اوکراین باعث افزایش قیمت مواد غذایی در سراسر جهان شده است. معاون وزیر امور خارجه روسیه گفته است «بدون توجه به آنچه از کی‌یف شنیده می‌شود، بدون روسیه، در حل‌وفصل هر موضوعی که مربوط به دریای سیاه و امنیت غذایی باشد، بعدی بتوان چنین کاری انجام داد». ورشینین گفت روسیه به کشورهای آفریقایی اطمینان می‌دهد که نیازه‌ای آنها توسط مسکو برآورده خواهد شد.

توقف صادرات غلات از اوکراین تهدیدی برای شماری از کشورهای خاورمیانه و آفریقا محسوب می‌شد که وابستگی زیادی به واردات این اقلام از اوکراین داشته‌اند. او گفت: «کشورهای نیازمند در تماس‌های خود با ما، از جمله در اجلاس اتی روسیه و آفریقا تضمین‌های لازم را در رابطه با نیازه‌های خود به محصولات کشاورزی و در درجه اول تولید غلات دریافت خواهند کرد.»

صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت بزرگ دین سهامی خاص
تبت شده به‌شماره۵۸۷۴ و شناسنامه‌لی۱۰۸۶۰۰۹۶۷۱۸ با سرمایه به‌مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال در ساعت ۸ صبح روز چهارشنبه۱۴۰۲/۰۴/۱۴ با حضور اکثر سهامداران در دفتر مرکزی شرکتتشکیل وتصمیماتذیل اتخاذ شد:
۱- آقای اکبر مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۲- آقای مهدی مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۳- خانم ترکس مرگس مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۴- خانم مریم مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۵- خانم ام البنین حیدری دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی

ابتدا ماده ۱۰۱ قانون تجارت رعایت گردید. در نتیجه آقای اکبر مهدیزاده دره به‌سمت رئیس جلسه و آقای مهدی مهدیزاده دره و خانم ام البنین حیدری دره به‌سمت ناظر و آقای امیر حسین ناصری به‌سمت منشی جلسه‌تعیین گردیدند.

الف)قبل وانتقال سهام،به‌شرح ذیل انجام گرفت:
آقای مهدی مهدی زاده دره به‌کد ملی۱۰۸۶۰۰۹۶۷۱۴۰۲/۰۴/۱۴ با حضور اکثر سهامداران در دفتر مرکزی شرکتتشکیل وتصمیماتذیل اتخاذ شد:
۱- آقای اکبر مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۲- آقای مهدی مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۳- خانم ترکس مرگس مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۴- خانم مریم مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۵- خانم ام البنین حیدری دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی

ب)سایر سهامداران به آقای حیدرزضا ناصری احدی از سهامداران با حق توکیل به غیر وکالت می‌دهند تا نسبت به ثبت مفاد صور تجلسه در ثبت شرکت‌ها اقدام کنند.

رئیس هیات مدیره

(آگهی فقدان مدرک تحصیلی)
مدرک تحصیلی اینجناب **زهرا تیوراد** فرزند محمود به شماره شناسنامه ۱۵۳۷۲۸۴۲۳. صادرة از تهران در مقطع **کارشناسی در رشته صنایع دستی** صادرة از دانشگاه الزهراء به شماره ۱۰/۲۴۶۶-۱ در **مفقود گردیده** وفاقداعتبار می باشد.از یابنده تقاضا میشوداصل مدرک را به دانشگاه الزهراء به نشانی تهران ،ونگ، خیابان شیخ بهایی ، خیابان ده ونگ یا کد پستی ۹۷۳۹۳۹۲۸۹۹۱ارسال نماید.

صور تجلسه مجمع عمومی فوق العاده شرکت بزرگ دین سهامی خاص
تبت شده به‌شماره۵۸۷۴ و شناسنامه‌لی۱۰۸۶۰۰۹۶۷۱۸ با سرمایه به‌مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال در ساعت ۱۲ ظهر روز چهارشنبه۱۴۰۲/۰۴/۱۴ با حضور اکثر سهامداران در دفتر مرکزی شرکتتشکیل وتصمیماتذیل اتخاذ شد:
۱- آقای اکبر مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۲- آقای حمید ناصری دارنده ۱۶۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۳- آقای امیر حسین ناصری دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی
۴- خانم نرگس مهدیزاده دره دارنده ۸۰۰ سهم با نام ۵۰۰۰۰۰۰ ریالی

ب‌سمت رئیس جلسه و آقای حیدر رضا ناصری به‌سمت ناظر و آقای امیر حسین ناصری به‌سمت ناظر و منشی جلسه‌تعیین گردیدند.

الف) شرح اصلاح گردید:
ب) سهامداران حاضر به آقای حمید رضا ناصری با حق توکیل به غیر وکالت دادند تا نسبت به ثبت صور تجلسه اقدام نماید.

رئیس هیات مدیره

رئیس هیات مدیره